

مقایسه رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی ادراک شده در مادران با و بدون ازدواج خویشاوندی دارای کودکان استثنایی و عادی

محمد مهاجرانی^{*}
غلامعلی افروز^{**}
علی اکبر ارجمندنی^{***}
سوگند قاسم‌زاده^{****}

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی ادراک شده در مادران با و بدون ازدواج خویشاوندی دارای کودکان استثنایی و عادی بود. با توجه به موضوع و هدف پژوهش حاضر این مطالعه از نوع پس-رویدادی می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه مادران دانش‌آموزان پسر ۶ تا ۱۶ سال کم‌توان ذهنی، آسیب‌بینایی، آسیب شنوایی و عادی شهر تهران بود. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل ۲۵۱ نفر (۱۲۶ زن با ازدواج خویشاوندی / ۱۲۵ زن بدون ازدواج خویشاوندی) می‌باشد که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای پژوهش حاضر شامل فرم کوتاه مقیاس رضامندی زوجیت افروز (۱۳۸۹) و مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت (۱۹۹۸) بود. نتایج حاکی از این بود که بین زنان با ازدواج خویشاوندی و زنان بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ محل تولد، سن ازدواج، شیوه انتخاب همسر، حمایت اجتماعی ادراک شده و رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P \leq 0/05$). با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد زن‌های دارای ازدواج خویشاوندی دارای کفویت فردی و اجتماعی بالاتری نسبت به زن‌های بدون ازدواج خویشاوندی هستند.

کلید واژگان: ازدواج خویشاوندی، رضایت زناشویی، حمایت اجتماعی ادراک شده، کودکان استثنایی.

* کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول، ایمیل: Mohajerani2@yahoo.com)

** استاد ممتاز گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

**** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در حال حاضر برآورد شده است که یک میلیارد از جمعیت جهان ترجیح می‌دهند، ازدواج خویشاوندی^۱ داشته باشند و در بسیاری از جوامع شمال آفریقا، خاورمیانه، و غرب آسیا یک سنت مورد احترام محسوب می‌شود (بیتلز و بلک^۲، ۲۰۱۰). در انتهای قرن بیستم بسیاری از محققین معتقد بودند که شیوع ازدواج خویشاوندی به دلیل صنعتی شدن و افزایش سطح تحصیلات زنان رو به کاهش خواهد گذاشت؛ اما این پیش‌بینی به وقوع نپیوسته است و در اغلب مناطق جغرافیایی، میزان ازدواج خویشاوندی یا ثابت مانده یا افزایش یافته است (رشید شمالی، منتظری، اکرمی، حشمتی و لاریجانی^۳، ۲۰۰۷). در ایران ازدواج خویشاوندی از لحاظ فرهنگی، نوعی از ازدواج محسوب می‌شود. مطالعاتی که ازدواج خویشاوندی را در ایران بررسی نموده‌اند (افروز، ۱۳۸۹؛ سعادت، انصاری لاری و فرهود^۴، ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی، مکدونالد و حسین-چاوشی^۵، ۲۰۰۶) رواج بالای ازدواج خویشاوندی، ثبات نسبی آن طی دهه‌های اخیر و بر خورداری همسران خویشاوند از ویژگی‌های سنتی را نشان داده‌اند. این مطالعات نشان دادند که اگرچه برخی از ویژگی‌های خانواده ایرانی مانند کاهش باروری و افزایش سن ازدواج، در دوران تأثیرپذیری جامعه از فرایندهای صنعتی شدن و مدرنیزاسیون دچار تغییر گردیده است، اما برخی از ویژگی‌ها مانند ازدواج با یک خویشاوند، از تداومی نسبتاً پایدار برخوردار بوده‌اند. عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۶) با بررسی چهار استان آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گیلان و یزد دریافتند که ۴۰ درصد از نمونه مورد بررسی، دارای همسر خویشاوند بودند. بررسی دیگری که در سطح تمامی استان‌ها انجام گرفت، نشان داد که ۳۸/۶ درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی و ۲۷/۹ درصد از نوع خویشاوندی نزدیک درجه اول بوده‌اند (سعادت و همکاران، ۲۰۰۴) و این آمار رواج ازدواج خویشاوندی در ایران را نشان می‌دهد. با توجه به بروز مشکلات ژنتیکی که ازدواج خویشاوندی با خود به همراه دارد، اما با این وجود در برخی از جوامع این نوع ازدواج ترجیح داده می‌شود. مطالعات جامعه‌شناختی در جوامع با نرخ بالای ازدواج‌های خویشاوندی، نشان می‌دهد که ازدواج خویشاوندی به دلیل اشتراک گذاشتن همان روابط اجتماعی قبل از ازدواج به بعد از ازدواج و هم‌چنین سازگاری بین زوج و دیگر اعضای خانواده می‌تواند سبب پایداری ازدواج شود (حمامی^۶، ۲۰۱۲). ممکن است ازدواج خویشاوندی برای وضعیت زنان به خصوص زمانی که قوانین از آن‌ها حمایت می‌کند، مطلوب‌تر باشد. از طرف دیگر، اعتقاد بر این است که ازدواج خویشاوندی، روابط خانوادگی را تقویت و باعث انسجام خانواده می‌شود و فرصت‌های مناسبی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و تداوم فرهنگی را فراهم می‌کند (سندریچ، تیکدین، الکابی و فرنسز^۷، ۲۰۱۱). در ازدواج خویشاوندی مذاکرات قبل از ازدواج در مورد مسائل مالی راحت‌تر انجام شده و گاهی اوقات کم‌هزینه می‌باشد. والدین زن ترجیح می‌دهند دخترشان در نزدیکی آن‌ها زندگی کند تا از حضور نوه‌های خود لذت ببرند. علاوه بر این، مالکان ثروتمند، ممکن است ترجیح می‌دهند که اموال خود را در درون

۱. Consanguineous marriages

۲. Bittles & Black

۳. Rashid shomali, Montazeri, Akrami, Heshmati & Larigani

۴. Saadat, Ansari-Lari & Farhud

۵. Abbasi Shavazi, McDonald & Hossein-Chavoshi

۶. Hamamy

۷. Sandridge, Takeddin, Al-kaabi & Frances

خانواده حفظ کنند (حمامی و بیتلز^۱، ۲۰۰۸). در جوامع روستایی، مزایای اجتماعی ازدواج خویشاوندی نسبت به تأثیر آن‌ها بر سلامت سنگین‌تر بوده و این امر در جامعه شهری بالعکس بوده و سلامت در اولویت می‌باشد (بیتلز و بلک، ۲۰۱۰).

ازدواج‌های خویشاوندی با افزایش خطر ناهنجاری‌های مادرزادی و بیماری‌های اتوزومی مغلوب همراه است. با رابطه زیستی نزدیک بین والدین، به احتمال بالاتری فرزندان نسخه‌های مشابه از یک یا چند ژن مضر مغلوب را به ارث می‌برند (بیتلز و بلک، ۲۰۱۰؛ حمامی، ۲۰۱۲). بررسی‌ها نشان می‌دهند که ازدواج خویشاوندی با تولد کودکان معلول، مانند کودکان با آسیب شنوایی، آسیب بینایی و مشکلات ذهنی در ارتباط است (بئر، حسین و تیبی^۲، ۲۰۰۷؛ کتب، همودا و تبرا^۳، ۲۰۰۶). به عقیده افروز (۱۳۸۴) ازدواج‌های خویشاوندی به طور معناداری در والدین مبتلا به تالاسمی، بیماری‌های مربوط به دوره بارداری، کم‌شنوایی و ناشنوایی، بدشکلی‌های مادرزادی، بیماری‌های قلبی، اختلالات گفتاری، نقایص لوله عصبی و عوامل خطرزای مرتبط با آن و هیپوتیروئیدیم بالاست. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد با توجه به بروز مشکلاتی ژنتیکی که ازدواج خویشاوندی با خود به همراه دارد، اما با این وجود در برخی از جوامع این نوع ازدواج ترجیح داده می‌شود.

در مطالعات متعدد به فاکتورهای مؤثر در شیوع ازدواج‌های خویشاوندی در اجتماعات مختلف نظیر فاکتورهای مذهبی، قانونی، اجتماعی و اقتصادی اشاره شده است. این فاکتورهای عبارت‌اند از: مذاکرات آسان‌تر برای ازدواج، سهولت ارتباط زوج‌ها، خودمختاری بیشتر برای زنان، ملاحظات اقتصادی، دغدغه تأمین امنیت، اطمینان خاطر از همسر و خانواده همسر، شبکه اجتماعی و پایداری ازدواج (افروز، ۱۳۸۹؛ کتابی، ۱۳۷۹؛ حمامی، ۲۰۱۲؛ حمامی و بیتلز، ۲۰۰۹؛ بیتلز و بلک، ۲۰۱۰ و سندریچ، تیکدین، الکابی و فرنسز^۴، ۲۰۱۰). مطالعات جامعه‌شناختی در جوامع با نرخ بالای ازدواج‌های خویشاوندی، نشان می‌دهد که ازدواج خویشاوندی به دلیل اشتراک گذاشتن همان روابط اجتماعی قبل از ازدواج به بعد از ازدواج و هم‌چنین سازگاری بین زوج و دیگر اعضای خانواده می‌تواند سبب پایداری ازدواج شود (حمامی، ۲۰۱۲). سندریچ و همکاران (۲۰۱۰) اظهار داشتند که ممکن است رابطه ازدواج خویشاوندی برای وضعیت زنان مطلوب‌تر باشد. آنان مزایای ازدواج خویشاوندی برای زنان را این‌گونه عنوان کردند: کاهش فشار بر روی عروس در خانه جدید، خودمختاری بیشتر برای زنان، یک پیوند زناشویی قوی‌تر با خطر کمتر طلاق و سازگاری بیشتر عروس با خانواده شوهرش. بر اساس آنچه گفته شده به نظر می‌رسد عوامل مربوط به ترجیحات ازدواج خویشاوندی می‌تواند باعث افزایش رضایت زناشویی بین زوجین شود. رضایت زناشویی^۵ به عنوان یک کارکرد موفقیت‌آمیز در زندگی زوج‌ها محسوب می‌شود (هارپر، اسکالچ، سندبرگ^۶، ۲۰۰۰) و یک ارزیابی کلی از وضعیت ازدواج است که نتیجه آن بازتابی از خوشبختی و عملکرد مثبت در زندگی زناشویی است. به عقیده وینچ^۷ (۲۰۰۰) رضایت زناشویی هنگامی وجود دارد

۱. Hamamy & Bittles

۲. Bener, Hussain & Teebi

۳. Kotb, Hammouda & Tabbara

۴. Sandridge, Takeddin, Al-kaabi & Frances

۵. marital satisfaction

۶. Harper, Schaalje & Sand berg

۷. Winch

که وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی، مطابق با آنچه که وی انتظار دارد منطبق باشد و نارضایتی زناشویی، از عدم تطابق دو وضعیت موجود و مطلوب روابط زناشویی پدید می آید. بر اساس این تعریف انتظار می رود که وضعیت زندگی مشترک حاصل از ازدواج خویشاوندی با انتظارات زوجین مطابقت بیشتری نسبت به زوجین با ازدواج غیرخویشاوندی داشته باشد ولی در این زمینه تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. تحقیقات پیشین نشان می دهند که، با وجود برخی پیشرفت ها در زمینه رضایت زناشویی، این فرآیند به راحتی مورد بررسی قرار نگرفته است و یک درک جامع از آن هنوز وجود ندارد (زاینه، نصیر، رزی سلوزیا و نورینی^۱، ۲۰۱۲). مروری بر پیشینه پژوهش نشان می دهد که رضایت زناشویی با متغیرهای زیادی همچون تنیدگی و افسردگی (رندل و بودنمن^۲، ۲۰۰۹؛ گابریل، بیچ و بودنمن^۳، ۲۰۱۰)، سن، مدت زمان ازدواج، جنس، تعداد فرزندان، میزان درآمد، اشتغال زن، (رستمی، قاضی نور و ریچتر^۴، ۲۰۱۳؛ چانگ^۵، ۲۰۱۳؛ زاینه و همکاران، ۲۰۱۲؛ اونیشی، سوروکوسکی، سوروکوسکا و پیپیتون^۶، ۲۰۱۲؛ بلاندا^۷، ۲۰۱۱؛ بورپی و لانگر^۸، ۲۰۰۵)، مذهبی بودن، بخشش و فرهنگ (زینا و همکاران، ۲۰۱۲؛ چنگ^۹، ۲۰۱۰؛ احمدی و حسینی^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ هونلر و گنکوز^{۱۱}، ۲۰۰۵) در ارتباط است. با این وجود این نکته قابل توجه است که عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی در سراسر فرهنگ ها می تواند متفاوت باشد (زاینه و همکاران، ۲۰۱۲). همان طور که ذکر شد هدف اصلی اکثر مطالعات قبلی در زمینه رضایت زناشویی، شناسایی عوامل اساسی مربوط به این متغیر می باشد. با این حال، تأثیر ازدواج خویشاوندی به عنوان یک فرهنگ رایج در برخی از جوامع مورد بررسی قرار نگرفته است.

همان طور که ذکر شد، یکی از دلایل ازدواج با خویشاوند، کسب حمایت به خصوص حمایت اجتماعی^{۱۲} از جانب خانواده ها می باشد (سندریچ و همکاران، ۲۰۱۰). کاب^{۱۳} (۱۹۷۶) اعتقاد دارد، حمایت اجتماعی زمانی آشکار می شود که فرد بداند برای دیگران، محترم و با ارزش است و از سوی دیگر او احساس کند که عضو یک شبکه از افرادی است که نسبت به هم تعهد متقابل دارند. در خانواده های خویشاوندی غیرخویشاوندی، حمایت اجتماعی می تواند از طریق خانواده، بستگان، دوستان، همسایگان، همکاران، مراکز مذهبی، باشگاه ها و سازمان های اجتماعی به دست آید (استرازیر^{۱۴}، ۲۰۱۲). با این وجود، گاتلیب و برگن^{۱۵} (۲۰۱۰) معتقدند که مفاهیمی چون، حمایت اجتماعی، شبکه اجتماعی^{۱۶} و یکپارچه سازی اجتماعی^{۱۷} از

۱. Zainah, Nasir, Ruzy Suliza & Noraini

۲. Randall & Bodenmann

۳. Gabriel, Beach, & Bodenmann

۴. Rostami, Ghazinour, & Richter

۵. Chang

۶. Onyishi, Sorokowski, Sorokowska & Pipitone

۷. Bulanda

۸. Burpee & Langer

۹. Cheng

۱۰. Ahmadi & Hosseini

۱۱. Hunler & Gencoz

۱۲. social support

۱۳. Cobb

۱۴. Strozier

۱۵. Gottlieb, Bergen

۱۶. social network

۱۷. social integration

هم متمایز می‌باشند که متأسفانه به دلیل همپوشی و تأثیر متقابل آن‌ها اغلب اشتباه گرفته می‌شوند. به هر حال از آنجایی که حمایت اجتماعی مشروط به عوامل متعدد شخصی، محیطی و فرهنگی است، نمی‌توان انتظار داشت که حمایت اجتماعی به طور دائم در شبکه اجتماعی وجود دارد؛ بنابراین ازدواج خویشاوندی ممکن است، شبکه اجتماعی گسترده‌ای از روابط را ایجاد و حفظ کند ولی این که آیا با وجود چنین شبکه‌ای، افراد آن احساس حمایت اجتماعی می‌کنند یا خیر، بر ما مشخص نیست و بررسی این موضوع یکی از اهداف پژوهش حاضر می‌باشد. نکته قابل توجه در پیشینه اینکه بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه ازدواج خویشاوندی بر تأثیر ژنتیکی این رویداد متمرکز بوده‌اند و مطالعات اندکی اثرات، جنبه‌های اجتماعی (حمایت اجتماعی) و روانی (رضایت زناشویی) ازدواج خویشاوندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به خلأهای پژوهشی در این زمینه و نیاز به بررسی بیشتر در جامعه ایرانی-اسلامی، هدف پژوهش حاضر مقایسه رضایت زناشویی، حمایت اجتماعی ادراک شده و متغیرهای جمعیت شناختی در زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و نمونه‌گیری: با توجه به موضوع و هدف پژوهش حاضر این مطالعه از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه مادران دانش‌آموزان پسر ۶ تا ۱۶ سال استثنایی و عادی شهر تهران بود. منظور از دانش‌آموزان عادی (۶۷ نفر) دانش‌آموزانی است که در مدارس عادی با ضریب هوشی نرمال و بدون آسیب قابل توجه ای مشغول به دریافت خدمات آموزش عادی هستند. هم‌چنین منظور از دانش‌آموزان استثنایی در این پژوهش کودکان و نوجوانان با آسیب شنوایی (۶۱ نفر)، آسیب بینایی (۵۹ نفر) و آهسته گام (۶۴) می‌باشد که در مدارس استثنایی ثبت نام کرده و در حال تحصیل و یادگیری در آن مدارس بودند. شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل ۲۵۱ زن (۱۲۶) زن با ازدواج خویشاوندی و ۱۲۵ زن با ازدواج غیرخویشاوندی) بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد پژوهش قرار گرفتند.

روش اجرا

به منظور گردآوری داده‌ها با کسب مجوز از آموزش و پرورش شهر تهران به مدارس عادی و استثنایی (آسیب بینایی، آسیب شنوایی و آهسته گام) مناطق ۶، ۷، ۲، ۴ و ۱۱ تهران مراجعه شد، سپس از طریق مشاوران مدارس دانش‌آموزان دارای والدین با ازدواج خویشاوندی شناسایی شدند و پس از دعوت مادر به مدرسه، در صورت تمایل به همکاری پرسشنامه‌های رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی توسط آنان تکمیل شد. هم‌چنین گروه مادران بدون ازدواج خویشاوندی به کمک مشاوران مدارس بر اساس ویژگی فرزندان (تعداد، سن، جنس، شدت اختلال) و محل زندگی هم‌تا شدند و پس از دعوت مادر به مدرسه، در صورت تمایل به همکاری پرسشنامه‌ها توسط آنان تکمیل شد. شایان ذکر است که در پژوهش حاضر منظور از زنان با ازدواج خویشاوندی آن گروه از زن‌هایی است که به صورت خویشاوندی ازدواج کرده‌اند و ازدواج آنان یکی از این موارد زیر را شامل می‌شد: دختر عمو با پسر عمو، پسر خاله با دختر خاله، دختر دایی با پسر عمه، دختر عمه با پسر دایی، دختر خاله / دختر عمو با پسر خاله / پسر عمه، پسر دایی / پسر عمه با دختر عمه / دختر دایی؛ و در غیر این صورت شرکت‌کنندگان در گروه غیرخویشاوندی قرار می‌گرفتند.

ابزار سنجش

الف-مقیاس رضامندی زوجیت افروز ۱۳۸۹ (فرم کوتاه): ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز فرم کوتاه ۵۱ سؤالی می‌باشد. این مقیاس جهت ارزیابی میزان رضایت همسران برای فرهنگ جامعه ایرانی توسط افروز (۱۳۸۴) طراحی و سپس توسط افروز و قدرتی (۱۳۹۰) هنجاریابی شده است. پرسشنامه رضامندی زوجیت افروز از ۱۰ خرده مقیاس تشکیل شده که عبارت‌اند از رضایت عاطفی، نگرشی، تعاملی، رفتاری، هم‌اندیشی، روش حل مسئله، حمایتی، شخصیتی، روش فرزندپروری و مطلوب اندیشی است. در هر گویه، محتوایی مربوط به رضامندی زناشویی ارائه شده است. از آزمودنی خواسته می‌شود تا در قالب طیف لیکرت چهار گزینه‌ای (کاملاً مخالف ۱، مخالف ۲، موافق ۳ و کاملاً موافق ۴) در مورد رضامندی زناشویی پاسخ بدهد. هر چه فرد در این آزمون نمره‌ی بیشتری بگیرد، نشان دهنده‌ی رضامندی زناشویی بالاتر است. اعتبار همزمان نمرات زوجین در این مقیاس با نمرات آن‌ها در پرسشنامه «رضامندی زناشویی انریچ» معنادار بوده است. پایایی ۰/۹۵ برای کل ابزار و ضرایب بین ۰/۸۶ تا ۰/۶۴ برای خرده مقیاس‌ها، نشان داده است که مقیاس دارای اعتبار مطلوب و مناسب بوده و قابل اجرا برای بررسی رضامندی همسران است. ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۷۹ نیز حاکی از اعتبار و همسانی درونی بالای این مقیاس است. هم‌چنین شایان ذکر است آلفای کرونباخ داده‌های این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۳ به دست آمد. مقیاس ساخته شده، بر اساس رویکرد ازدواج سالم، رویکرد شناختی-اجتماعی و تجارب بالینی در زمینه رضامندی زوجیت در بستر فرهنگ اسلامی-ایرانی ساخته شده و مناسب موقعیت‌های پژوهشی و بالینی است.

ب-مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (زیمت، دهلم، زیمت و فارلی ۱۹۸۸): این مقیاس توسط زیمت و همکاران در سال ۱۹۸۸ ساخته شده است و مرکب از ۱۲ گویه است که سه مولفه: حمایت ادراک شده از سوی خانواده (۴ گویه)، حمایت ادراک شده از سوی دیگران مهم (۴ گویه) و حمایت ادراک شده از سوی دوستان (۴ گویه) را سنجش می‌کند. همه گویه‌های این مقیاس، بر اساس یک طیف پنج درجه‌ای (بسیار موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف و بسیار مخالف) درجه‌بندی شدند. دامنه نمرات این مقیاس، ۱۲ الی ۶۰ بوده است. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس به این صورت است که نمرات حاصل از هر آیتم جمع شده و نمرات زیاد نشانگر حمایت اجتماعی ادراک شده بالا و نمرات کم نشانگر حمایت اجتماعی ادراک شده پایین است. سازندگان مقیاس، هماهنگی درونی ماده‌های مقیاس حمایت اجتماعی را با استفاده آلفای کرونباخ، به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۹۱ محاسبه کردند. مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده در ایران نخستین بار توسط مسعودنیا (۱۳۹۰) به فارسی برگردانده شد. نتایج آن مطالعه نشان داد که میزان پایایی درونی مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده، به طور کلی، برابر با ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌های حمایت ادراک شده از سوی دوستان، حمایت ادراک شده از سوی خانواده، حمایت ادراک شده از سوی دیگران مهم به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۸۱ و ۰/۸۷ بوده است. در پژوهش حاضر پایایی درونی مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده کل با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ محاسبه گردید و برای خرده مقیاس‌های حمایت ادراک شده از سوی دوستان، حمایت ادراک شده از سوی خانواده، حمایت ادراک شده از سوی دیگران مهم به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا برای بررسی فرضیه اول از روش آماری خی دو استفاده شد. فرضیه ۱: بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت وجود دارد.

جدول ۱. فراوانی و آماره خی دو بر اساس متغیرهای جمعیت شناختی به تفکیک گروه با و بدون ازدواج خویشاوندی

متغیر	گزینه ها	ازدواج خویشاوندی	ازدواج غیرخویشاوندی	خی دو	df	P	
محل تولد	روستا	فراوانی ۳۲	فراوانی ۱۵	۷/۴	۱	۰/۰۰۷	
	شهر	۹۴	۱۱۰	۱۲			
	کل	۱۲۶	۱۲۵	۸۸			
سن ازدواج	۱۲ تا ۱۰	۱۰	۳	۲۸/۸۳	۳	۰/۰۰۱	
	۱۹ تا ۱۵	۷۲	۴۰				۲/۴
	۲۴ تا ۲۰	۴۰	۶۱				۳۲
	۲۵ به بالا	۴	۲۱				۴۸/۸
	کل	۱۲۶	۱۲۵				۱۶/۸
انتخاب همسر	توصیه والدین	۶۴	۳۶	۱۹/۴۴	۲	۰/۰۰۱	
	توصیه دوستان	۱۳	۳۷				۲۸/۸
	انتخاب شخصی	۴۹	۳۶				۲۹/۶
	کل	۱۲۶	۱۰۰				۴۱/۶
تحصیلات	زیردیپلم	۵۴	۳۹	۴/۲۶	۳	۰/۲۳	
	دیپلم	۵۳	۵۹				۳۱/۲
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۷	۲۵				۴۷/۲
	فوق لیسانس به بالا	۲	۲				۲۰
	کل	۱۲۶	۱۲۵				۱/۶

یافته‌های حاصل از متغیرهای جمعیت شناختی نشان دادند که بیشترین فراوانی در انواع ازدواج خویشاوندی شامل ازدواج دخترعمو/پسرعمو (۳۵/۷ درصد) می‌باشد و به همین ترتیب ازدواج‌های دخترخاله/پسرخاله (۲۷/۸ درصد)، دختردایی/پسرعمه (۱۹/۸ درصد)، دخترعمه/پسردایی (۱۵/۱ درصد) و دو نوع از ازدواج‌های مضاعف (۲ درصد) از فراوانی کمتری برخوردار هستند. هم‌چنین فراوانی گروه زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ محل تولد با هم تفاوت دارند و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0.05$, $df = 1$, $X^2 = 7.4$). بنابراین بین زنان با ازدواج خویشاوندی و زنان با ازدواج غیرخویشاوندی از لحاظ محل تولد تفاوت وجود دارد. بیشترین فراوانی سن ازدواج در زنان با ازدواج خویشاوندی بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سال (۵۷/۱ درصد) و زنان بدون ازدواج خویشاوندی بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۸/۸ درصد) می‌باشد و بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ سن ازدواج تفاوت وجود دارد ($X^2 = 28.83$), $P < 0.05$, $df = 3$). از دیگر یافته پژوهش حاضر تفاوت دو گروه زنان با ازدواج خویشاوندی و زنان بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ شیوه انتخاب همسر می‌باشد ($P < 0.05$, $df = 2$, $X^2 = 19.44$). بیشترین فراوانی شیوه انتخاب همسر در زنان با ازدواج خویشاوندی براساس توصیه والدین (۵۰/۸ درصد) می‌باشد

در حالی که در بین زنان بدون ازدواج خویشاوندی بیشتر فراوانی شیوه انتخاب همسر بر اساس انتخاب شخصی (۴۱/۶ درصد) آنهاست. هم چنین تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که اگر چه فراوانی بین دو گروه زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ تحصیلات تفاوت وجود دارد ($X^2=4/26$ ، $P>0/05$ ، $df=3$) ولی این تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنادار نیست (جدول ۱). بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر تفاوت زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی (سن ازدواج، محل تولد و شیوه انتخاب همسر) تأیید می‌شود.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای وابسته پژوهش به تفکیک گروه با و بدون ازدواج خویشاوندی

متغیر	گروه	ازدواج خویشاوندی		غیر خویشاوندی		
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
رضایت زناشویی	رضایت عاطفی	۱۹/۶۱	۳/۷۴	۱۸/۲	۴/۵	
	رضایت تعاملی	۱۷/۷۵	۳/۹۷	۱۶/۷۵	۴/۱	
	رضایت نگرشی	۲۲/۹۹	۴/۲۷	۲۱/۸	۵/۳۵	
	رضایت رفتاری	۳۲/۳	۵/۸۱	۳۰/۹۲	۷/۳۸	
	رضایت حمایتی	۱۶/۷۱	۳/۱	۱۵/۷۴	۳/۷	
	رضایت هم‌اندیشی	۹/۸۵	۲/۰۴	۹/۲	۲/۳	
	رضایت حل مساله	۱۲/۱۱	۲/۵۹	۱۱/۷۶	۲/۶۵	
	رضایت شخصیتی	۹/۱۹	۱/۸	۸/۶۵	۲/۱۷	
	رضایت فرزندپروری	۹/۸	۲/۰۳	۹/۲۷	۲/۰۶	
	رضایت مطلوب اندیشی	۱۳/۸۸	۲/۰۱	۱۳/۱۶	۲/۸	
	رضایت زناشویی کل	۱۶۴/۲۴	۲۷/۰۴	۱۵۵/۴۸	۳۱/۸۸	
	ادراک حمایت اجتماعی	حمایت دوستان	۱۲/۱۳	۲/۶	۱۱/۹	۲/۴۵
		حمایت اشخاص مهم	۱۵/۳۸	۳/۱	۱۴/۵	۳/۶۷
حمایت خانواده		۱۵/۸	۳/۳	۱۴/۴۷	۳/۷۲	
حمایت اجتماعی کل		۴۳/۳۱	۷/۵۱	۴۱/۱۶	۸/۲۸	

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین رضایت زناشویی کل و برخی خرده مقیاس‌های آن بین گروه‌های با و بدون ازدواج خویشاوندی تفاوت وجود دارد، هم‌چنین این تفاوت در میانگین حمایت اجتماعی ادراک شده کل و برخی خرده مقیاس‌های آن وجود دارد. در ادامه برای بررسی معنادار بودن این تفاوت‌ها از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (دو گروهی) استفاده خواهد شد. قبل از انجام تحلیل ابتدا به خارج کردن داده‌های پرت از تحلیل و بررسی مفروضه‌های نرمال بودن توزیع با آزمون کلموگراف اسمیرنوف، همگنی واریانس با آزمون لوین و برابری ماتریس‌های کوواریانس با آزمون ام. باکس پرداخته شد. بعد از مطمئن شدن از برقراری مفروضه‌ها از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های اثربیلایی، لامبدای ویلکز و اثر هتلینگ در تحلیل واریانس چند متغیره

آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
اثربیلایی	۰/۶۶	۳۲/۷۱	۱۴	۲۳۶	۰/۰۰۱
لامبدای ویلکز	۰/۳۴	۳۲/۷۱	۱۴	۲۳۶	۰/۰۰۱
اثر هتلینگ	۱/۹۴	۳۲/۷۱	۱۴	۲۳۶	۰/۰۰۱
ریشه روی	۱/۹۴	۳۲/۷۱	۱۴	۲۳۶	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره حاکی از آن است که در تمام آزمون‌ها F به دست آمده با درجه آزادی ۱۴ و ۲۳۶ در سطح $P < 0.001$ معنادار است. لذا می‌توان گفت که بین گروه با و بدون ازدواج خویشاوندی حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه به بررسی دقیق فرضیه‌ها دوم و سوم پرداخته می‌شود. فرضیه ۲: بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیر رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره اثرات گروه بر متغیر رضایت زناشویی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رضایت عاطفی	۱۲۶/۳۵	۱	۷/۲۵	۰/۰۰۸
رضایت تعاملی	۶۲/۹۹	۱	۳/۷	۰/۰۵
رضایت نگرشی	۸۹۱/۱۶	۱	۳/۷	۰/۰۵
رضایت رفتاری	۱۱۸/۳۹	۱	۲/۶۸	۰/۱
رضایت حمایتی	۵۹/۰۷	۱	۵/۰۰۱	۰/۰۲
رضایت هم‌اندیشی	۲۶/۴۴	۱	۵/۴۷	۰/۰۲
رضایت حل مساله	۷/۷۳	۱	۱/۱۲	۰/۲
رضایت شخصیتی	۱۷/۹۲	۱	۴/۳۱	۰/۰۳
رضایت فرزندپروری	۱۸/۱۳	۱	۴/۳۲	۰/۰۳
رضایت مطلوب‌اندیشی	۳۳/۳۳	۱	۵/۴۵	۰/۰۲
رضایت زناشویی کل	۴۸۱۳/۰۴	۱	۵/۱۲	۰/۰۲

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین نمرات رضایت تعاملی، عاطفی، نگرشی، حمایتی، هم‌اندیشی، شخصیتی، فرزندپروری، مطلوب‌اندیشی و رضایت زناشویی کل در دو گروه با و بدون ازدواج خویشاوندی تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0.05$) ولی میانگین نمرات رضایت رفتاری و حل مساله در دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0.05$). بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تفاوت زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ رضایت زناشویی تأیید می‌شود.

(۳) بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیر حمایت اجتماعی تفاوت وجود دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره اثرات گروه بر متغیر حمایت اجتماعی

متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
حمایت دوستان	۳/۵۸	۱	۰/۵۵	۰/۴
حمایت اشخاص مهم	۴۸/۲۵	۱	۴/۱۴	۰/۰۴
حمایت خانواده	۶۸/۰۷	۱	۵/۴۲	۰/۰۲
حمایت اجتماعی کل	۲۹۲/۰۷	۱	۴/۶۷	۰/۰۳

بر اساس جدول ۵ میانگین نمرات حمایت اشخاص مهم، خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده کل در دو گروه با و بدون ازدواج خویشاوندی تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/05$) ولی میانگین نمرات حمایت دوستان در دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد ($P > 0/05$). بنابراین فرضیه سوم پژوهش مبنی بر تفاوت زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ حمایت اجتماعی ادراک شده تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور مقایسه رضایت زناشویی و حمایت اجتماعی ادراک شده در بین والدین خویشاوند و غیرخویشاوند دانش آموزان استثنایی و عادی صورت گرفت.

فرضیه اول اینگونه مطرح شد که بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معنادار وجود دارد و یافته‌ها حاکی از تأیید این فرضیه بود. بررسی متغیرهای جمعیت شناختی حاکی از این بود که فراوانی گروه زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ محل تولد با هم تفاوت دارند و فراوانی زنان با ازدواج خویشاوندی از لحاظ تولد در روستا بیشتر از گروه دیگر است. یافته دیگر اینکه بیشترین فراوانی سن ازدواج در زنان با ازدواج خویشاوندی بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سال و زنان بدون ازدواج خویشاوندی بین سنین ۲۰ تا ۲۴ سال (۴۸/۸ درصد) می‌باشد و بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ سن ازدواج تفاوت وجود دارد. از دیگر یافته پژوهش حاضر تفاوت دو گروه زنان با ازدواج خویشاوندی و زنان بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ شیوه انتخاب همسر می‌باشد. بیشترین فراوانی شیوه انتخاب همسر در زنان با ازدواج خویشاوندی بر اساس توصیه والدین می‌باشد در حالی که در بین زنان بدون ازدواج خویشاوندی بیشتر فراوانی شیوه انتخاب همسر بر اساس انتخاب شخصی آنهاست. نتایج مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی با برخی از یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو است (حمامی، ۲۰۱۲؛ حمای و بیلتر، ۲۰۰۸؛ بیتلز و بلک، ۲۰۱۰ و سندریچ و همکاران، ۲۰۱۱). هم چنین تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که اگر چه فراوانی بین دو گروه زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ تحصیلات تفاوت وجود دارد ولی این تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنادار نیست. این یافته با نتیجه پژوهش عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) همسو با نتایج برخی پژوهش‌ها ناهمسو است (حمامی، ۲۰۱۲؛ حمای و بیلتر، ۲۰۰۹).

در تبیین تفاوت متغیرهای جمعیت شناختی (محل تولد، سن ازدواج و شیوه انتخاب همسر) در گروه زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی می‌توان به این نکته توجه کرد که هر جامعه‌ای ملاک‌ها و معیارهایی برای انتخاب همسر دارد و این معیارها به صورت فرهنگی درونی شده است. تفاوت ملاک‌های ازدواج

باعث متفاوت شدن نوع ازدواج و شیوه‌های تشکیل خانواده می‌شود. به دلیل سبک زندگی روستایان و پایبندی به برخی سنت‌ها ازدواج خویشاوندی در این مناطق نسبت به جامعه شهری بیشتر است. زناشویی با خویشاوندان در ایران صرف نظر از اتکا به برخی ارزش‌های دینی، بی‌تردید دارای زمینه اجتماعی مناسب و انگیزه‌های قوی و مؤثر بوده است و به نظر می‌رسد این عوامل و مزایای ازدواج خویشاوندی در جامعه روستایی ارزشمندتر است. بیتلز و بلک (۲۰۱۰) معتقدند در جوامع روستایی، مزایای اجتماعی ازدواج خویشاوندی نسبت به تأثیر آنها بر سلامت سنگین‌تر بوده و این امر در جامعه شهری بالعکس بوده و سلامت در اولویت می‌باشد و شواهد پژوهشی این موضوع را تأیید می‌کنند کتایی، ۱۳۷۹؛ حمای، ۲۰۱۲؛ حمای و بیتلز، ۲۰۰۹؛ بیتلز و بلک، ۲۰۱۰ و سندریچ و همکاران، ۲۰۱۰). به عقیده افروز (۱۳۸۹) در واقع مسئله ازدواج خویشاوندی، زمانی می‌تواند به صورت جدی مطرح باشد که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها از بیشترین اقتدار عاطفی و روانی برخوردار بوده، برادرها و خواهرها صمیمی‌ترین رابطه‌ها را داشته باشند. در سایه چنین روابط خویشاوندی و دوست‌داشتی است که عموزاده‌ها، خاله زاده‌ها، دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها فرصت شناخت متقابل و ابراز علاقه اجتماعی نسبت به یکدیگر را می‌یابند. بنابراین می‌توان گفت که مسئله ازدواج خویشاوندی در خانواده‌های هسته‌ای و غربی به لحاظ کم رنگ بودن قوام و دوام و انسجام خانواده‌ها و عدم قوت و غنای روابط خویشاوندی نمی‌تواند همانند جوامع شرقی و خانواده‌های گسترده مورد توجه خاص باشد و این نکته خود توجیه‌کننده تفاوت سن ازدواج و سبک انتخاب همسر در زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی است. در روش ازدواج خویشاوندی معمولاً بزرگان خانواده و والدین در انتخاب همسر تأثیرگذارتر هستند و به دلیل شناخت و اعتماد زوجین از یکدیگر سن ازدواج در این موارد پایین‌تر است. هم‌چنین عدم تفاوت در فراوانی دو گروه خویشاوند و غیر خویشاوند از لحاظ تحصیلات می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که ازدواج خویشاوندی به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی بوده و مزیت‌هایی همچون کم هزینه بودن و حمایت اجتماعی را به همراه دارد (عبدالله و ظاهر^۱، ۲۰۱۳؛ حمای، ۲۰۱۲) از این رو به نظر می‌رسد فارغ از سطح تحصیلات افراد، ازدواج خویشاوندی می‌تواند به عنوان یک سنت و فرهنگ قابل پذیرش باشد.

ادعای فرضیه دوم این بود که بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیر رضایت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد و یافته‌ها حاکی از تأیید این فرضیه بود. بدین صورت که نتایج نشان داد بین دو گروه زنان با ازدواج خویشاوندی و زنان بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد و زنان با ازدواج خویشاوندی از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار هستند. برای مقایسه این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی مطالعه‌ای یافت نشد، تنها پژوهش‌های نزدیک به مطالعه حاضر، تأثیر روابط قوی خانوادگی را بر رضایت زناشویی بررسی کرده بودند که نتایج آنان با نتیجه پژوهش حاضر همسو بود (چانگ، ۲۰۱۳؛ رستمی و همکاران، ۲۰۱۳؛ اینسوک و سوکی^۲، ۲۰۱۱). در تبیین این یافته می‌توان به عوامل تأثیرگذار بر ترجیح ازدواج خویشاوندی اشاره کرد. مطالعات جامعه‌شناختی در جوامع با نرخ بالای ازدواج‌های خویشاوندی، نشان می‌دهد که ازدواج خویشاوندی به دلیل اشتراک گذاشتن همان روابط اجتماعی قبل از ازدواج به بعد از ازدواج و هم‌چنین سازگاری بین زوج و دیگر اعضای خانواده

۱. Abdalla & Zaher

۲. In Suk & Sukhee

می تواند سبب پایداری ازدواج شود (حمای، ۲۰۱۲). هم چنین در ازدواج خویشاوندی مذاکرات قبل از ازدواج در مورد مسائل مالی راحت تر انجام شده و گاهی اوقات کم هزینه می باشد (حمای و بیلتز، ۲۰۰۹) و این خود باعث کاهش استرس و مشاجرات زوجین می شود. افروز (۱۳۸۹) در این خصوص چنین اظهار داشتند که: "حقیقت این است که فراوانی طلاق در ازدواج های خویشاوندی در بررسی آمار کلی طلاق بسیار اندک است. به سخن دیگر زوج های خویشاوند به لحاظ حضور در دایره حمایتی قابل توجه، از کانون پر استحکام خانواده، بیشتر بهره مند هستند. چرا که پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها، عموها، خاله ها، دایی ها و عمه ها می توانند در مقام مشاوران مطلوب، دلسوز و حمایتگر (به دور از دخالت های ناروا) بیشترین نقش را در استحکام و گرمی خانواده زوج جوان داشته باشند." سندریچ و همکاران (۲۰۱۰) اظهار داشتند که ممکن است رابطه ازدواج خویشاوندی برای وضعیت زنان مطلوب تر باشد. آنان مزایای ازدواج خویشاوندی برای زنان را این گونه عنوان کردند: کاهش فشار بر روی عروس در خانه جدید، خودمختاری بیشتر برای زنان، یک پیوند زناشویی قوی تر با خطر کمتر طلاق و سازگاری بیشتر عروس با خانواده شوهرش. تبیین دیگر برای این یافته بر اساس اصل تشابه و همسانی زوجین صورت می گیرد. تشابه و همسانی همسر، در مکان زندگی، تولد، طبقه اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی های روانشناختی، دین و مذهب، سن و سال، ویژگی های فرهنگی و نژادی مورد تاکید بیشتر محققان قرار گرفته است و به بیانی دیگر هر چه درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است. بنابراین قابل انتظار است که همسران با ازدواج خویشاوندی از همسانی بیشتری در زمینه های گوناگون برخوردار باشند. نکته قابل توجه دیگر تاثیر حمایت اجتماعی موجود در شبکه خویشاوندی بر رضایت زناشویی زوجین است. وجود حمایت اجتماعی ادراک شده در خانواده موجب آرامش در خانه بین زوجین، فرزندان و والدین و حتی خویشاوندان و همسایگان آنان می شود. به نظر می رسد حمایت اجتماعی به خصوص در عرصه خانواده تأثیر وقایع منفی زندگی را کاهش می دهد و مشکلات طولانی مدت (همچون بیماری های جسمی و روانی مزمن) را قابل تحمل می کند که همه این عوامل به استحکام خانواده می انجامد (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۰).

فرضیه سوم این بود که بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ متغیر حمایت اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد و این فرضیه هم نیز تأیید شد. نتایج نشان دادند که بین زنان با و بدون ازدواج خویشاوندی از لحاظ حمایت خانواده و اشخاص مهم تفاوت معنادار وجود دارد و این حمایت اجتماعی در گروه زنان با ازدواج خویشاوندی بیشتر است. در پیشینه، مطالعه ای جهت مقایسه با این یافته در دسترس پژوهشگر قرار نگرفت. با این وجود مرور منابع حاکی از احتمال دریافت حمایت اجتماعی بیشتر زوجین با ازدواج خویشاوندی از سمت خانواده هاست. در جهت تبیین این یافته پژوهش حمای و بیلتز (۲۰۰۹) معتقدند که با ازدواج خویشاوندی احتمال اینکه فرزندان در شبکه خویشاوندی و نزدیک والدین زندگی کنند بیشتر است (حمای و بیلتز، ۲۰۰۹). هم چنین سندریچ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند با قرار گرفتن زوج های با ازدواج خویشاوندی در شبکه حمایتی والدین استرس و ناسازگاری کمتری را تجربه می کنند. زوج های خویشاوند به لحاظ اینکه در یک شبکه حمایتی از سوی خویشاوندان قرار می گیرند از حمایت اجتماعی بیشتری بهره مند هستند و به طور کلی یکی از دلایل شیوع ازدواج خویشاوندی کسب حمایت اجتماعی بیشتر در شبکه خویشاوندی است (کتابی، ۱۳۷۹). همانطور که قبلاً گفته شد در ازدواج خویشاوندی روابط

اجتماعی قبل از ازدواج حفظ و مستحکم تر شده (حامی، ۲۰۱۲) و وجود شبکه اجتماعی خویشاوندی به نوبه خود باعث ادراک حمایت اجتماعی بیشتر می‌گردد (گاتلیب و برگن، ۲۰۱۰). نکته قابل توجه دیگر اینکه حمایت اجتماعی در برگیرنده تعاملات و رفتارهای متقابل مردم است. تقابل نقش مهمی در حفظ روابط اجتماعی خوب دارد. امروزه شرایط ساختار اجتماعی و زیستی، انتظارات و توقعات از روابط متقابل در جوامع را شکل می‌دهند. در جوامع امروزی نقش‌های اجتماعی، ثبات کمتری داشته و همواره دستخوش تحول هستند. انتظارات و توقعات از داد و ستدها در روابط اغلب به روشنی تعریف نشده و ممکن است با نقش فرد در محیط تعارض پیدا کند (گاتلیب و برگن، ۲۰۱۰). به نظر می‌رسد در روابط خویشاوندی به ویژه حمایت از سوی والدین انتظارات و توقعات برای روابط متقابل پایین تر است و در نتیجه تعارضات کمتری بین زوج‌های خویشاوند با خانواده همسرشان اتفاق می‌افتد. به طور کلی فراهم نمودن شرایط مطلوب برای اجرای پژوهش به دشواری میسر می‌گردد. از جمله این محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد: این پژوهش در شهر تهران اجرا شد بنابراین بهتر است در تعمیم دادن به جامعه دیگر با احتیاط عمل شود، هم‌چنین کنترل تمام متغیرهای اثرگذار بر متغیرهای پژوهش دشوار بود. با توجه به رواج ازدواج خویشاوندی در ایران پیشنهاد می‌شود که دلایل رواج این نوع از ازدواج در ایران مورد بررسی قرار بگیرد. در خصوص جنبه‌های اجتماعی و روانی ازدواج خویشاوندی پژوهش‌های دیگری در جامعه شهری و روستایی صورت گیرد. از نتایج پژوهش حاضر می‌توان در جهت آگاه ساختن خانواده‌ها از شرایط و پیامدهای روانی-اجتماعی ازدواج خویشاوندی در قالب برگزاری جلسات آموزشی، مشاوره‌ای و غیره استفاده کرد. در آخر باید به این نکته مهم توجه کرد که نتایج پژوهش حاضر به معنای تشویق به ازدواج خویشاوندی و نادیده گرفتن احتمال مشکلات ژنتیکی نمی‌باشد.

منابع

- افروز، غلامعلی و قدرتی، مهدی (۱۳۹۰). ساخت و هنجاریابی مقیاس رضایتمندی همسران افروز (فرم کوتاه). مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۱، صفحه ۱۶-۳.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۴). اصول و روشهای پیشگیری از معلولیت‌ها. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- عباسی شوازی، محمدجلال و ترابی، فاطمه. (۱۳۸۵). تفاوت‌های بین نسلی از دواج‌های خویشاوندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، صفحه ۱۱۹-۱۴۶.
- کتابی، احمد. (۱۳۷۹). زناشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان. مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صفحه ۱۹۲-۱۶۷.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با بروز اختلال افسردگی پس از زایمان. نشریه پرستاری ایران، شماره ۲۴، صفحه ۱۸-۸.
- Abbasi Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hossein-Chavoshi, M. (2006). Modernization and the cultural practice of consanguineous marriage: A study of four provinces of Iran. Paper prepared for the Session: Value Changes and Family Formation of the European Population Conference: Population Challenges in Ageing Societies, Liverpool, June 21-24
- Abdalla, B., & Zaher, A. (2013). Consanguineous Marriages in the Middle East: Nature Versus Nurture. Open Complementary Medicine Journal, 5(1), 1-10.

- Ahmadi , K., & Hosseini , F. (2009). Religiosity, Marital Satisfaction and Child Rearing. *Journal of Pastoral Psychol*, 57, 211–221.
- Bener, A., Hussain, R., & Teebi, A. S. (2007). Consanguineous Marriages and Their Effects on Common Adult Diseases: Studies from an Endogamous Population. *Medical Principles and practice*, 16, 262–267.
- Bittles, A. H., & Black, M. L. (2010). Consanguinity, human evolution, and complex diseases. *PNAS*, 107 (1), 1779–1786.
- Bulanda, J. R. (2011). Gender, Marital Power, and Marital Quality in Later Life. *Journal of Women & Aging*, 23, 3–22.
- Burpee, L. C., & Langer, E. J. (2005). Mindfulness and Marital Satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12(1), 43-51
- Chang, W. C. (2013). Family Ties, Living Arrangement, and Marital Satisfaction. *Journal Happiness Stud*, 14, 215–233.
- Cheng, C. C. (2010). A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*, 34, 354–362.
- Cobb, S. (1976). Social support as moderator of life stress. *Psychosomatic Medicine*, 38(5), 300–314.
- Gabriel, B., Beach, S. R., & Bodenmann, G. (2010). Depression, Marital Satisfaction and Communication in Couples: Investigating Gender Differences. *Behavior Therapy*, 41, 306–316.
- Gottlieb, B. H., & Bergen, A. E. (2010). Social support concepts and measures. *Journal of Psychosomatic Research*, 69, 511–520.
- Hamamy , H., & Bittles, A. H. (2009). Genetic Clinics in Arab Communities: Meeting Individual, Family and Community Needs. *Public Health Genomics*, 12, 30–40.
- Hamamy, H. (2012). Consanguineous marriages. *Journal Community Genet*, 3, 185–192.
- Harper, J. M., Schaalje, B.J., & Sandberg, J.G. (2000). Daily hassles, intimacy, and marital quality in later life marriages. *The American Journal of Family Therapy*, 28, 1-18.
- Hunler, O. s., & Gencoz, T. (2005). The Effect Of Religiousness On Marital Satisfaction: Testing The Mediator Role Of Marital Problem Solving Between Religiousness And Marital Satisfaction Relationship. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
- In Suk1, N., & Sukhee, A. (2011). Comparison of Stress, Social Support, and Marital Satisfaction between Married Immigrant Women in Urban and Rural Areas. *Korean J Women Health Nurs*, 17(2), 99-108.
- Kotb, A. A., Hammouda, E. F., & Tabbara, K. F. (2006). Childhood Blindness at a School for the Blind in Riyadh, Saudi Arabia. *Ophthalmic Epidemiology*, 13, 1–5.
- Onyishia, E. I., Sorokowski, P., Sorokowska, A., & Pipitone, N. (2012). Children and marital satisfaction in a non-Western sample: having more children increases marital satisfaction among the Igbo people of Nigeria. *Evolution and Human Behavior*, 33, 771–774.
- Randall, A. K., Bodenmann, G. (2009). The role of stress on close relationships and marital satisfaction. *Clinical Psychology Review*, 29, 105–115
- Rashid shomali S, Montazeri V, Akrami SM, Heshmati R. and Larigani B. (2007). Prevalence of Consanguineous marriages among patients referred to diabetes and osteoporosis clinics of Dr Shariati Hospital, Tehran, Iran. *Iranian J Diabetes Lipid Disor*, 7, 85-90.
- Rostami, A., Ghazinour, M., & Richter, J. (2013). Marital Satisfaction: The Differential Impact of Social Support Dependent on Situation and Gender in Medical Staff in Iran. *Global Journal of Health Science*, 5(4), 151-164.
- Saadat M, Ansari-Lari M. and Farhud DD.(2004). Consanguineous marriage in Iran. *Ann Hum Biol*, 31, 263-269.
- Sandridge, A. L., Takeddin, J., Al -kaabi, E., & Frances, Y. (2010). Consanguinity in Qatar: knowledge, attitude and practice in a population born between 1946 and 1991. *J. Biosoc. Sci*, 42, 59–82.

- Strozier, A. L. (2012). The effectiveness of support groups in increasing social support for kinship caregivers. *Children and Youth Services Review*, 34, 876–881.
- Winch, R.F. (2000). *Selected studies in marriage and the family*. 6th Ed. New York: Henry Holt.
- Zainah, A. Z., Nasir, R., Ruzy Suliza. H. & Noraini M. Y. (2012). Effects of Demographic Variables on Marital Satisfaction. *Journal of Asian Social Science*, 9 (8), 46-49.
- Zimet, G. D., Dahlem, N. W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (1988). The multidimensional scale of perceived social support. *Journal of personality assessment*, 52(1), 30-41.

Comparing the Rate of Marital Satisfaction and Perceived Social Support in Consanguine and Non- Consanguine Marriage Mothers of Exceptional and Normal Children

M. Mohajerani*
Gh. A. Afroz**
A. Arjmandniya***
S. Ghasemzadeh****

Abstract

The aim of this study was comparing the rate of marital satisfaction and perceived social support in consanguine and non- consanguine marriage mothers of exceptional and normal children. The present study was an ex-post facto type. The study population consisted of all the boys between 6 and 16 years of exceptional and ordinary children mothers in Tehran. The study participants were 251 couples (126 with consanguine and 125 with non- consanguine marriage women) that were selected through purposive sampling method. The study instruments included: Afroz (2010) Marital Satisfaction Scale (short form), Zimet (1998) Perceived Social Support Scale. Results showed that there was a significant difference between women with and women without consanguineous marriage with respect to place of birth, age of marriage, spouse selection styles, marital satisfaction and perceived social support ($p \leq 0.05$). According to the results of this study, it seemed that women with consanguine marriages had a higher individual and social similarities than non- consanguine marriage women.

Keywords: marital satisfaction, perceived social support, consanguineous marriages, exceptional Children.

*MA psychology, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author, email: Mohajerani2@yahoo.com)

**Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

***Assistant Professor, Psychology, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.

****Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran.